

بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی
دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز

The Effect of Premarital Training on Marital Expectations
and Attitudes of University Students in Shiraz

B.Omidvar, M. A. ✉

M. Fatehi Zadeh, Ph.D.

S. A. Ahmadi, Ph.D.

✉ بنفشه امیدوار

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مریم السادات فاتحی زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر سیداحمد احمدی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

چکیده:

Abstract

The purpose of this study is to examine the effect of premarital education on marital expectations of college students. The research procedure is quasi-experimental with a pre-test and post-test design and control group. The statistical population consists of students who studied in Shiraz University of Medical Sciences.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج و ابعاد آن است. روش این تحقیق نیمه تجربی بوده و از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شده است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز بودند که قصد ازدواج داشته و در مرحله قبل از دوران عقد قرار داشتند.

✉Correspornding author: Dept. of counseling,
Isfahan university, Isfahan, Iran
Tel: +980728-3338684-9
Fax: +980728-3338686
Email: banafshehgs2002@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: شیراز، کیلومتر ۳ جاده مرودشت، تخت
جمشید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
تلفن: ۰۷۲۸ - ۳۳۳۸۶۸۴ - ۹ دورنما: ۳۳۳۸۶۸۹ - ۰۷۲۸
پست الکترونیکی: banafshehgs2002@yahoo.com

A sample of 207 students volunteered in this research and completed the marital expectations questionnaire. Then 92 students who gained higher scores in this questionnaire were selected and randomly allocated in experimental and control groups. The results were analyzed with SPSS software. They show that premarital education improves marital expectations ($P<0/0001$). Also pre-marital education improves marital expectation components including expectation of spouse as a friend and supporter ($P<0/0001$), expectation of marital life ($P<0/0001$), expectation of ideal relationship ($P<0/0001$). Educational effects were not different among boys and girls.

KeyWords: Premarital Education, Marital Expectations.

برای انتخاب نمونه ۲۰۷ نفر از دانشجویان داوطلب شرکت در دوره آموزشی به پرسشنامه انتظارات زناشویی پاسخ دادند. ۹۲ نفر که در این آزمون‌ها نمرات بالاتری داشتند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۴۶ نفر در گروه آزمایش و ۴۶ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند. در پژوهش حاضر از روش آماری تحلیل کواریانس چند راهه استفاده شد. نتایج نشان دادند که آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی ($P<0/0001$) دانشجویان در آستانه ازدواج را به طور معناداری بهبود بخشیده است. همچنین آموزش پیش از ازدواج در دانشجویان در آستانه ازدواج، ابعاد انتظارات شامل: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی ($P<0/0001$)، انتظارات از زندگی زناشویی ($P<0/0001$) و انتظارات از یک رابطه ایده‌آل ($P<0/0001$) را به طور معناداری بهبود بخشیده است. همچنین نتایج نشان دادند که تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی و ابعاد آن در دختران و پسران متفاوت نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی

مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج رابطه‌ای انسانی، پیچیده و بسیار ظریف است. دلایل اصلی ازدواج عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای نیازهای عاطفی - روانی و افزایش شادی و خشنودی است (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰). تحقیقات نشان داده‌اند در زوج‌هایی که بیشترین اختلاف‌ها را قبل از ازدواج با یکدیگر دارند، میزان طلاق بیشتر است (گاتمن^۱، ۱۹۹۸؛ به‌نقل از خمسه، ۱۳۸۲). در این میان انتظارات نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی نقش کلیدی را بازی می‌کنند. انتظارات زناشویی^۲ عبارت است از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌های از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر

واقعیت باشد و یا نباشد (خمسسه، ۱۳۸۲). افراد انتظاراتشان را از آنچه که می‌بینند، می‌شنوند و در طول زمان تجربه می‌کنند، رشد می‌دهند. عوامل مؤثر بر انتظارات زناشویی عبارتند از: خانواده مبدأ (رید، ۲۰۰۳)، روند اجتماعی شدن (هریس ولی، ۲۰۰۷)، ساختار فرصت‌ها (هریس ولی، ۲۰۰۷) و فرهنگ (رید، ۲۰۰۳). امروزه با تغییر جهت از تأکید بر ازدواج به عنوان سنت، به ازدواج به عنوان یک رابطه، انتظارات زناشویی مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند. انتظارات یکی از پنج پدیده شناختی است (پنج پدیده‌شناختی عبارتند از: انتظارات، ادراکات، اسنادها، استانداردها و فرضیات) که با تحریف در آن (نادرست و افراطی شدن)، در آشفتگی زناشویی سهمیم می‌شود (باکوم و اپستین^۲، ۱۹۹۰؛ به‌نقل از شارپ و گانگ، ۲۰۰۴). در تمام روابط بین فردی، چه روابط بین چندین نفر، چه رابطه دو نفر با هم به منظور ازدواج، افراد با انتظارات معینی وارد رابطه می‌شوند که بر رفتار آن‌ها به شیوه‌ای مثبت یا منفی تأثیر می‌گذارد (مولر و کولین، ۱۹۹۸). اما اکثر افراد، انتظارات غیرواقع‌بینانه-ای نسبت به زندگی زناشویی دارند. آن‌ها انتظار دارند که همسرشان تمام خلاءهای آن‌ها را در قبل از ازدواج پُر کند (منسفیلد، ۲۰۰۷). در حقیقت رضایتمندی زناشویی در صورتی که انتظارات همسران با واقعیت متناسب نباشد، کاهش می‌یابد و پیش‌بینی‌کننده نتایج مخربی در زندگی زناشویی خواهد بود (مک‌ناتلی، ۲۰۰۷). انتظارات می‌توانند به عنوان اهدافی با ساختاری که باعث برانگیختن فرایند تأیید انتظار شود، عمل کنند. تأیید این انتظارات می‌تواند از طریق دو مکانیسم رخ دهد (دارلی و گراس^۴، ۱۹۸۳؛ هاستورف و کانتریل^۵، ۱۹۴۵؛ کلی^۶، ۱۹۵۰؛ میلرو تورنبول^۷، ۱۹۸۶؛ به‌نقل از مک‌ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴): تأیید ادراکی^۸ و تأیید رفتاری^۹. انتظارات می‌توانند به عنوان اهداف غیرواقع-بینانه‌ای عمل کنند و افراد پیامدهای به‌وجود آمده را با این انتظارات غیرواقع‌بینانه مقایسه کنند. تئوری اثر تعمیم^{۱۰} (میلر و همکاران، ۱۹۹۷؛ به‌نقل از مک‌ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴) اشاره دارد به این-که افراد در مورد پیامدها چگونه احساس می‌کنند. این موضوع به‌وسیله افکار غیرواقع‌بینانه‌ای مشخص می‌شود که آن‌چه را که اتفاق افتاده با آن‌چه که باید اتفاق می‌افتاد، مقایسه می‌کنند. نتایج مثبت هنگامی که فراتر از انتظارات است خوشحال‌کننده هستند، اما هنگامی که نتایج به‌وجود آمده، انتظارات را برآورده نکنند، ناامیدکننده هستند (مدوک^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۵؛ میلر و همکاران، ۱۹۹۷؛ شپرد^{۱۲} و مک‌ناتلی، ۲۰۰۲؛ به‌نقل از مک‌ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴). پس همسرانی که انتظارات بسیار بالایی در مورد رابطه‌شان دارند در خطر ناامید شدن و دل‌سرد شدن قرار دارند چون احتمال زیادی وجود دارد که نتایج به‌وجود آمده، برآورده کننده انتظارات آن‌ها نباشد (تیبات^{۱۳} و کلی، ۱۹۵۹؛ به‌نقل از مک‌ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴).

در روابط صمیمانه، زوجینی که در مهارت‌ها (به‌خصوص مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله) تبحر بیشتری دارند بهتر قادر هستند تا تجاربی را بیافرینند و مدیریت کنند که انتظارات مثبت (واقع‌بینانه) را تأیید کند (تأیید رفتاری) (گاتمن، ۱۹۹۴؛ گاتمن و همکاران، ۱۹۹۸؛ هاستون^{۱۴} و همکاران،

۲۰۰۱؛ کارنی، ۱۹۹۷؛ به‌نقل از مک‌ناتلی و کارنی، ۲۰۰۴). اما در مورد همسرانی که در حیطه‌های ذکر شده تبحر ندارند، انتظارات مثبت (واقع‌بینانه) مخرب خواهد بود زیرا فقدان مهارت‌های رفتاری ممکن است موجب شود زوجین با تجاربی روبه‌رو شوند که منجر به عدم تأیید انتظارات شود. پیامد عدم تأیید انتظارات ناامیدی خواهد بود. زوجین با یادگیری و به کارگیری مهارت‌های کارآمد متوجه خواهند شد کدام انتظارات در رابطه، منطقی و واقع‌بینانه است و انتظار می‌رود که برآورده شود. شواهد تجربی نشان می‌دهند که درجاتی از رمانتیک بودن به عنوان ضربه‌گیر عمل می‌کند و روابط صمیمانه را از تمرکز بر روی جنبه‌های منفی همسران حفظ می‌کند، اما افراد نباید به طور افراطی انتظارات رمانتیک در مورد زندگی زناشویی داشته باشند. آموزش‌های پیش از ازدواج^{۱۵} از راه‌های پایین آوردن انتظارات غیرواقع‌بینانه می‌باشد (شارپ و گانگ، ۲۰۰۴).

متخصصان علم خانواده درباره کارآمد بودن آموزش‌های قبل از ازدواج، اطمینان دارند. زوج‌هایی که در این برنامه‌ها شرکت داشته‌اند، نگرش مثبتی نسبت به آموزش قبل از ازدواج و اثرات آن دارند و آن را رویداد ارزشمندی می‌دانند (خمسه، ۱۳۸۲). شارپ و گانگ (۲۰۰۴) در بررسی تأثیر آموزش نظام‌دار بر اعتقادات غیرواقع‌بینانه و رمانتیک دانشجویان کالج، دریافتند که دانشجویان در گروه‌های آموزش نظام‌دار در مقایسه با گروه گواه به طور معناداری اعتقادات رمانتیک خود را پایین آوردند. دوال^{۱۶} (۱۹۶۵؛ به‌نقل از اولسون و گراوات، ۱۹۶۸) در بررسی تأثیر دوره‌های آموزش پیش از ازدواج دریافت که این دوره‌ها تغییرات چشم‌گیری را در نگرش‌ها و انتظارات و ادراک دانشجویان ایجاد می‌کنند. کارول و دوهرتی (۲۰۰۳) دریافتند که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به طور کلی در فراهم آوردن دستاوردهای مفید، سریع و کوتاه مدت در مهارت‌های بین فردی و به طور کلی کیفیت روابط مؤثرند. استنلی و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند که شرکت در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج با سطوح بالاتر رضایت‌مندی و تعهد در ازدواج و سطوح پایین‌تر تعارض و نیز کاهش نرخ طلاق، در ارتباط است. جونز و نلسون (۱۹۹۹) به بررسی انتظارات از ازدواج در دانشجویان دانشگاه پرداختند. ۲۴۴ نفر از دانشجویان از خانواده‌های سالم و ۶۱ نفر از خانواده‌های ناسالم انتخاب شدند. هر دو گروه پرسشنامه‌هایی را پر کردند که سبک‌های عشق، سطوح رمانتیک بودن و انتظارات از ازدواج را مورد ارزیابی قرار می‌دادند. نتایج نشان دادند که هر دو گروه در تقسیم‌بندی‌های انتظارات از ازدواج (بدبینانه، واقع‌بینانه، غیرواقع‌بینانه) همانند بودند. به علاوه دانشجویانی که انتظارات ایده‌آل‌گرایانه‌ای از ازدواج داشتند، احتمال بیشتری داشت که به سبک‌های عشق اساطیری مثل اروس و غیره معتقد باشند و احتمال بیشتری داشت که سطوح بالایی از رمانتیک بودن را نشان دهند.

با توجه به اهمیت انتظارات در موفقیت رابطه زوجی و با توجه به این‌که آموزش پیش از ازدواج به عنوان راهی مؤثر در بهبود انتظارات و نیز آموزش مهارت‌ها، شناخته شده است، انجام تحقیقاتی در این راستا ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این ضرورت، این تحقیق به آموزش پیش از ازدواج بر

اساس مدلی تدوین شده توسط محقق (که در جدول آمده است)، به دانشجویان در آستانه ازدواج می‌پردازد و آنان را به طور نمادین وارد فرایند زندگی مشترک نموده و تأثیر آن را بر انتظارات زناشویی آنان بررسی می‌کند.

روش

این تحقیق نیمه تجربی و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۸۶ بودند که قصد ازدواج داشته و در مرحله قبل از دوران عقد قرار داشتند. به منظور انتخاب نمونه، اطلاع‌رسانی برای تشکیل این‌گونه کلاس‌ها از طریق همکاری تعدادی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز و اطلاعیه‌ها انجام گرفت. پس از ثبت‌نام متقاضیان، پرسشنامه انتظارات زناشویی محقق ساخته، بر روی کلیه متقاضیان شرکت در تحقیق که شامل ۲۰۷ نفر بودند، اجرا شد. سپس ۹۲ نفر (۴۲ پسر و ۵۰ دختر) که در این آزمون نمرات بالاتری داشتند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۴۶ نفر در گروه آزمایش و ۴۶ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند. پس از انتخاب نمونه و گمارش تصادفی در گروه آزمایش و کنترل برای آزمودنی‌های گروه آزمایش جلسات آموزشی پیش از ازدواج به صورت گروهی برگزار گردید. پس از اتمام جلسات از دو گروه آزمایش و کنترل، پرسشنامه‌های انتظارات زناشویی به عنوان پس‌آزمون به عمل آمد. پس از سه هفته در مرحله پیگیری بار دیگر پرسشنامه‌ها در دو گروه اجرا شد. تعداد جلسات آموزش پیش از ازدواج هفت جلسه بود. این جلسات هر هفته دوبار و هر بار به مدت ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه تشکیل شد. سرفصل محتوای جلسات آموزش برنامه ارتباط زوجین در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ساختار جلسات آموزش پیش از ازدواج

جلسه اول	عنوان: برقراری ارتباط، اهمیت و ضرورت آموزش پیش از ازدواج دستور جلسه: ایجاد ارتباط معرفی اعضاء به یکدیگر، معرفی برنامه آموزش باز خورد و بحث در مورد جلسه تکلیف: هر یک از اعضاء اهداف خود را از شرکت در جلسات آموزش پیش از ازدواج یادداشت کنند.
جلسه دوم	عنوان: آموزش مهارت‌های ارتباطی (آموزش توجه به خود، چاشنی‌های ارتباطی، موانع ارتباطی) دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف خانگی و بیان خلاصه‌ای از جلسه قبل، تعریف ارتباط، موانع یک ارتباط خوب، آموزش توجه به خود با استفاده از چرخه آگاهی، موانع و چاشنی‌های ارتباطی. باز خورد و بحث در مورد جلسه. تکلیف: هر کدام از افراد درمورد مشکل ارتباطی که اخیراً برای آن‌ها پیش آمده است ببیندشند و سعی کنند با استفاده از چرخه آگاهی به خودگویی بپردازند. سپس تجربیات خود را در مورد این‌که تا چه حد آگاهی آن‌ها افزایش

	یافته و نیز این که اگر هم اکنون در همان موقعیت قبلی بودند چه می کردند یادداشت کنند. تکلیف: هر فرد به میل خود موضوعی را همراه با دوست/نامزد انتخاب کند و به تمرین استفاده از چرخه آگاهی بپردازد.
جلسه سوم	عنوان: آموزش مهارت‌های ارتباطی (آموزش مهارت‌های حرف زدن و آموزش توجه به همسر با استفاده از مهارت‌های گوش دادن مؤثر). دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف خانگی و بیان خلاصه‌ای از جلسه قبل، آموزش مهارت‌های حرف زدن با استفاده از چرخه آگاهی، آموزش توجه به همسر با استفاده از مهارت‌های گوش دادن مؤثر. تکلیف: هر فرد موضوعی را به دلخواه انتخاب کند و با استفاده از مهارت‌های حرف زدن آن را برای دوست/هم گروهی بیان کند. سپس تجربه این کار را بیان کند. سپس همان موضوع را بدون استفاده از مهارت‌های حرف زدن بیان کند. آن‌گاه از دوست/ نامزد بخواهید حالت اول را با حالت دوم مقایسه کند و نظرات خود را ارائه دهد. سپس تجربیات خود را یادداشت کنند. تکلیف: هر فرد از دوست/ نامزد بخواهد موضوعی را انتخاب کند و در مورد آن برایش صحبت کند تا از مهارت‌های گوش دادن استفاده کند. سپس از دوست/نامزد گروهی بخواهد تا بگوید چه احساسی از کار وی داشته است؟ و چه انتظارات دیگری داشته که برآورده نشده است؟ و با استفاده از باز خورد دوست/هم گروهی، سعی کند از مهارت‌ها به طرز ماهرانه‌تری استفاده کند. سپس تجربیات خود را یادداشت کنند.
جلسه چهارم	عنوان: آموزش صمیمیت زناشویی دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف خانگی و بیان خلاصه‌ای از جلسه قبل، تعریف صمیمیت، تعریف ابعاد صمیمیت، تمرین عملی در مورد صمیمیت زناشویی. تکلیف: هر فرد با خود ببیند که کدام یک از ابعاد صمیمیت در وی قوی‌تر است (ارضای کدام بعد برای وی اهمیت بیشتری دارد؟ از همسر آینده‌اش در آن حیطه چه انتظاری دارد؟ انتظار را چگونه با همسرش مطرح خواهد کرد؟ تکلیف افراد به گروه‌های دو نفری تقسیم می‌شوند و به هر گروه سناریویی از یک زوج فرضی که در یکی از ابعاد صمیمیت مشکل دارند، داده می‌شود. سپس از هر کدام از گروه‌ها در خواست می‌شود که نقش زوج فرضی را بازی کنند و مشکل آن زوج را در آن حیطه از صمیمیت حل نمایند.
جلسه پنجم	عنوان: آموزش حل مسئله دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف خانگی و بیان خلاصه‌ای از جلسه قبل، تعریف مسئله، نکات مهم در شرایط بروز مسئله، روش هر یک از اعضای گروه در برخورد با مسائل، آموزش فرایند حل مسئله و نحوه کاربرد آن در زندگی زناشویی. تکلیف: هر فرد در مورد مسئله‌ای که اخیراً برایش پیش آمده از فرایند حل مسئله استفاده کند و تجربیات و نظرات خود را یادداشت کند. افراد سعی کنند چون ابتدای کار است و هنوز مهارت کافی ندارند مسئله پیچیده‌ای را انتخاب نکنند تا اجرای فرایند حل مسئله را به خوبی فرا گیرند.
جلسه ششم	عنوان: ترسیم مرزها در خانواده دستور جلسه: مرور تکالیف جلسه قبل و دریافت بازخورد، آموزش مرزسازی بین حریم خانوادگی و محیط خارج، آموزش مرزسازی بین زوجین، آموزش مرزسازی بین والدین و فرزندان. تکلیف: از افراد خواسته شد خانواده‌ای از آشنایان را که به خوبی می‌شناسند و فکر می‌کنند مرزهای آن دچار مشکل است انتخاب کنند و آن خانواده را با مرزهایش ترسیم کنند و بنویسند کدام یک از مرزها دچار مشکل است و اشکال در آن باعث چه مسائلی شده است.
جلسه هفتم	عنوان: تعهد زناشویی دستور جلسه: مرور تکالیف جلسه قبل و دریافت بازخورد، تعریف تعهد و موانع آن، لزوم تعهد در زندگی زناشویی، مراحل رشد تعهد. تکلیف: از افراد خواسته شد بنویسند از نظر آن‌ها تعهد چه مزایای دیگری علاوه بر آن چه که ذکر شد می‌تواند داشته باشد و این که تا چه حد وجود تعهد را در زندگی زناشویی خود را ضروری می‌دانند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه انتظارات زناشویی محقق ساخته: این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال و دارای طیف لیکرت "همیشه" تا "اصلاً" است. حداقل نمره پرسشنامه ۰ و حداکثر ۱۲۸ می‌باشد. نمونه‌ای که در تحلیل عاملی از آن‌ها استفاده شد ۲۰۷ نفر دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (متقاضی شرکت در کلاس‌ها)، بودند که تصمیم به ازدواج داشته و در دوران پیش از عقد قرار داشتند. به منظور تعیین روایی پرسشنامه انتظارات زناشویی، از دو شیوه تعیین سازه‌های بنیادی و همبستگی درونی خرده مقیاس‌ها با نمره کل استفاده شد. برای تعیین سازه‌ها و عوامل بنیادی پرسشنامه، از تحلیل عاملی به شیوه واریمکس و با چرخش متمایل استفاده شد که در نهایت سه عامل بر اساس ۳۷/۵ درصد واریانس‌های مجموع هشت عامل اول، به دست آمد. این سه بعد عبارت بودند از: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی، انتظار از رابطه ایده‌آل. همبستگی تمام خرده مقیاس‌های استخراج شده با یکدیگر و به ویژه با نمره کل بالا و معنادار بود ($P < 0/01$) که حاکی از روایی بالای پرسشنامه است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه انتظارات زناشویی، از روش آلفای کراباخ استفاده شد. ضریب آلفای کراباخ برای هر یک از حیطه‌های فوق به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۰/۷۰، ۰/۸۰/۷۰ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ بود.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود:

یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری مانند میانگین و انحراف معیار نمره‌های پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری هستند که در جدول ۲ ارائه شده‌اند. لازم به ذکر است که نمره‌های بالاتر در پرسشنامه انتظارات زناشویی نشان‌دهنده انتظارات غیرواقع‌بینانه‌تر است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمره کل انتظارات زناشویی و نیز خرده مقیاس‌های آن در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نسبت به نمرات مرحله پیش‌آزمون تغییر چشم‌گیری داشته است.

جدول ۲: داده‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه آزمایش و گواه

گروه گواه		گروه آزمایش		مرحله	متغیر
خطای استاندارد	میانگین	خطای استاندارد	میانگین		
۲/۸۱	۲۳/۵۷	۲/۰۰	۲۴/۳۵	پیش‌آزمون	خرده مقیاس ۱ (انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی)
۰/۲۷	۲۴/۰۶	۰/۲۸	۲۰/۲۱	پس‌آزمون	
۰/۲۸	۲۳/۸۸	۰/۲۸	۲۰/۴۸	پیگیری	
۴/۲۸	۳۸/۲۸	۲/۴۶	۴۰/۵۹	پیش‌آزمون	خرده مقیاس ۲ (انتظارات از زندگی زناشویی)
۰/۳۳	۳۹/۰۵	۰/۳۳	۳۵/۱۰۸	پس‌آزمون	
۰/۳۴	۳۸/۹۱	۰/۳۴	۳۵/۱۱	پیگیری	
۶/۸۹	۴۳/۴۱	۵/۱۶	۴۲/۶۷	پیش‌آزمون	خرده مقیاس ۳ (انتظارات از یک رابطه ایده‌آل)
۰/۶۰	۴۳/۵۲	۰/۶۰	۳۲/۶۲	پس‌آزمون	
۰/۶۰	۴۳/۵۱	۰/۵۹	۳۲/۶۶	پیگیری	
۱۰/۸۷	۱۰۵/۲۶	۸/۵۰	۱۰۸/۵۹	پیش‌آزمون	نمره کل مقیاس
۰/۷۴	۱۰۶/۶۳	۰/۷۴	۸۷/۹۳	پس‌آزمون	
۰/۷۳	۱۰۶/۳۰	۰/۷۳	۸۸/۲۵	پیگیری	

به منظور مقایسه انتظارات زناشویی در گروه آزمایش و گواه با حذف اثر پیش‌آزمون، از تحلیل کواریانس چند متغیری (MANCOVA) استفاده شد که نتایج آن در جداول ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل مانکوا بر روی نمره‌های تفاضل (پیش‌آزمون - پس‌آزمون) انتظارات زناشویی و ۳ خرده آزمون آن در گروه آزمایش و گواه

متغیر	مقدار	F	فرضیه df	خطای df	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آماری
پیش‌آزمون (خرده مقیاس اول)	۰/۶۷	۶/۵۱	۶	۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۳۳	۰/۹۹
پیش‌آزمون (خرده مقیاس دوم)	۰/۳۷	۲۲/۵۰	۶	۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۶۳	۱/۰۰۰
پیش‌آزمون (خرده مقیاس سوم)	۰/۴۱	۱۸/۷۹	۶	۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹	۱/۰۰۰
پیش‌آزمون (کل مقیاس)	۰/۲۳	۱۳۷/۹۴	۶	۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰۰
عضویت گروهی	۰/۲۲	۴۷/۸۸	۶	۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۷۸	۱/۰۰۰
جنسیت	۰/۸۵	۲/۳۱	۶	۸۰	۰/۰۴۲	۰/۱۴	۰/۷۷
تعامل گروه و جنسیت	۰/۹۶	۰/۵۱۵	۶	۸۰	۰/۸۰	۰/۰۳۷	۰/۳۰

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش: فرض تساوی واریانس نمرات، با استفاده از آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت که نشان داد تنها نمرات خرده مقیاس اول و خرده مقیاس دوم در مرحله

پیگیری به همراه نمره کل در مرحله پس‌آزمون نامساوی می‌باشند، در سایر موارد، فرض تساوی واریانس‌های نمرات رعایت شده بود.

جدول ۴: آزمون اثرات بین آزمودنی متغیر انتظارات زناشویی و خرده‌آزمون‌های انتظارات زناشویی

متغیر	مرحله	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	میزان تاثیر	توان آماری
عضویت گروهی	خرده مقیاس ۱	۳۰۱/۴۰۵	۱	۳۰۱/۴۰۵	۹۲/۸۵	**۰/۰۰۰۱	۰/۵۲	۱/۰۰۰
	پیگیری	۲۳۵/۹۷۷	۱	۲۳۵/۹۷۷	۷۲/۰۹۲	**۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۰۰
	خرده مقیاس ۲	۳۱۵/۵۰۶	۱	۳۱۵/۵۰۶	۶۶/۴۷۲	**۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۱/۰۰۰
	پیگیری	۲۹۲/۸۷۴	۱	۲۹۲/۸۷۴	۵۲/۸۱۹	**۰/۰۰۰۱	۰/۴۱	۱/۰۰۰
	خرده مقیاس ۳	۲۴۱۵/۷۶۹	۱	۲۴۱۵/۷۶۹	۱۵۷/۸۰۱	**۰/۰۰۰۱	۰/۶۵	۱/۰۰۰
	پیگیری	۲۳۸۹/۳۳۹	۱	۲۳۸۹/۳۳۹	۱۵۹/۹۶۰	**۰/۰۰۰۱	۰/۶۵	۱/۰۰۰
نمره کل مقیاس	پس‌آزمون	۷۱۰۲/۱۰۲	۱	۷۱۰۲/۱۰۲	۳۰۳/۷۶۷	**۰/۰۰۰۱	۰/۷۸	۱/۰۰۰
	پیگیری	۶۶۱۸/۷۷۷	۱	۶۶۱۸/۷۷۷	۲۹۱/۹۰۷	**۰/۰۰۰۱	۰/۷۷	۱/۰۰۰
جنسیت	خرده مقیاس ۱	۲۷/۸۸۲	۱	۲۷/۸۸۲	۸/۵۷۱	*۰/۰۰۴	۰/۰۹۲	۰/۸۲۵
	پیگیری	۲۲/۴۸۵	۱	۲۲/۴۸۵	۶/۸۶۹	*۰/۰۱۰	۰/۰۷۵	۰/۷۳۶
	خرده مقیاس ۲	۰/۶۹۹	۱	۰/۶۹۹	۰/۱۴۷	۰/۷۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۶۷
	پیگیری	۰/۲۱۴	۱	۰/۲۱۴	۰/۰۴۴	۰/۸۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۵۵
	خرده مقیاس ۳	۷/۲۵۰	۱	۷/۲۵۰	۰/۴۷۴	۰/۴۹۳	۰/۰۰۶	۰/۱۰۴
	پیگیری	۹/۷۵۲	۱	۹/۷۵۲	۰/۶۵۳	۰/۴۲۱	۰/۰۰۸	۰/۱۲۶
	نمره کل مقیاس	۱۱/۶۸۴	۱	۱۱/۶۸۴	۰/۵۰۰	۰/۴۸۲	۰/۰۰۶	۰/۱۰۸
تعامل گروه و جنس	خرده مقیاس ۱	۰/۰۰۷	۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۹۶۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰
	پیگیری	۰/۰۹۲	۱	۰/۰۹۲	۰/۰۲۸	۰/۸۶۷	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳
	خرده مقیاس ۲	۰/۰۰۶	۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۹۷۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰
	پیگیری	۰/۵۱۲	۱	۰/۵۱۲	۰/۱۰۵	۰/۷۴۷	۰/۰۰۱	۰/۰۶۲
	خرده مقیاس ۳	۰/۹۸۹	۱	۰/۹۸۹	۰/۰۶۵	۰/۸۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۷
	پیگیری	۰/۶۸۱	۱	۰/۶۸۱	۰/۰۴۶	۰/۸۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۵
	نمره کل مقیاس	۱/۰۰۹	۱	۱/۰۰۹	۰/۰۴۳	۰/۸۳۶	۰/۰۰۱	۰/۰۵۵
	پیگیری	۰/۱۷۱	۱	۰/۱۷۱	۰/۰۰۸	۰/۹۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱

همان‌طور که می‌دانیم استفاده از آزمون‌های پارامتریک نظیر آزمون F، مستلزم رعایت برخی پیش فرض‌ها از جمله استاندارد بودن ابراز مورد استفاده، انتخاب یا گزینش تصادفی آزمودنی‌ها، حجم بیش از ۳۰ نفر، تساوی نمونه‌های پژوهش و تساوی واریانس‌های نمرات پژوهش می‌باشد. ضمن این‌که با اصول یا موارد اصلاحی روبه‌روست، رعایت یک یا دو مورد از این شرایط، اجازه استفاده از آزمون‌های پارامتریک را به محقق می‌دهد (مولوی، ۱۳۷۹). بنابراین با توجه به حجم

مساوی و بیشتر از ۳۰ نفر نمونه‌های پژوهش و گمارش تصادفی آن‌ها به گروه‌های پژوهش به همراه استاندارد شدن ابزار مورد استفاده، جهت تحلیل داده‌های حاصل از این پرسشنامه می‌توان از آزمون پارامتریک F استفاده کرد.

هم‌چنین تحلیل نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که با حذف اثر پیش‌آزمون در مجموع تفاوت معنا-داری بین گروه آزمایش و گواه در خرده آزمون اول: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی، (مرحله پس‌آزمون $F=92/85, P<0/0001$ و مرحله پیگیری $F=72/092, P<0/0001$)، خرده‌آزمون دوم: انتظارات از زندگی زناشویی (مرحله پس‌آزمون $F=66/472, P<0/0001$ و مرحله پیگیری $F=52/819, P<0/0001$)، خرده آزمون سوم: انتظارات از یک رابطه ایده‌آل (مرحله پس‌آزمون $F=157/801, P<0/0001$ و مرحله پیگیری $F=159/960, P<0/0001$) و نیز در نمره کل انتظارات زناشویی (مرحله پس‌آزمون $F=303/767, P<0/0001$ و مرحله پیگیری $F=291/907, P<0/0001$) وجود دارد. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت که ارائه مداخله آموزش پیش از ازدواج باعث بهبود و یا تعدیل انتظارات زناشویی آزمودنی‌ها و ابعاد آن در مراحل پس‌آزمون و پیگیری شده است.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهند که اثر متقابل جنسیت و عضویت گروهی بر نمره کل انتظارات زناشویی و نیز خرده آزمون‌های آن معنادار نیست، پس فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود بنابراین می‌توان گفت که ارائه مداخله آموزش پیش از ازدواج در دختران و پسران در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری ندارد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهند که با حذف اثر پیش‌آزمون در مجموع تفاوت معناداری بین نمرات پسران و دختران در خرده آزمون اول (مرحله پس‌آزمون $F=8/571, P<0/004$) و مرحله پیگیری ($F=6/869, P<0/010$) وجود دارد. اما در دو زیر مقیاس دیگر و نیز نمره کل انتظارات زناشویی، تفاوت معناداری بین نمرات پسران و دختران وجود ندارد.

بحث

نتایج نشان دادند که تفاوت معناداری بین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه در مراحل پس‌آزمون و پیگیری وجود دارد، یعنی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات دانشجویان در آستانه ازدواج مؤثر بوده است. در آموزش‌های پیش از ازدواج که در کشور ما انجام شده، توجه زیادی به ملاک‌های همسرگزینی، سؤال‌هایی که در زمان آشنایی باید پرسیده شود، علائم هشداردهنده و غیره شده است. در این آموزش‌ها به حیطه آموزش مهارت‌ها در زمینه پیش از ازدواج، توجه کمی مبذول گردیده است. در این تحقیق با آموزش مهارت‌ها سعی شده که افراد در آستانه ازدواج وارد فرایند زندگی مشترک گردند و از این‌که چه مهارت‌هایی برای یک زندگی زناشویی موفق نیاز است، آگاه شوند. هم‌چنین آگاه شوند که در چه حیطه‌هایی از مهارت‌ها نقصان و کمبود دارند و به تمرین در آن

حیطه‌ها پردازند. این افراد وقتی از وظایف خود، مشکلات احتمالی در زندگی زناشویی و مهارت‌های مورد نیاز آگاه شوند، تا حدی از انتظارات رمانتیک و ایده‌آل‌گرایانه در ازدواج، فاصله می‌گیرند و بر تلاش برای حفظ رابطه‌ای سالم متمرکز می‌گردند. این نتیجه با یافته شارپ و گانگ (۲۰۰۴) که به بررسی تأثیر آموزش نظام‌دار بر انتظارات غیرواقع‌بینانه و رمانتیک دانشجویان کالج در مورد ازدواج پرداختند، همسو است. آن‌ها نشان دادند که دانشجویان در اثر آموزش به طور معناداری انتظارات غیرواقع‌بینانه و رمانتیک خود را از ازدواج تعدیل نمودند. در این حیطه پژوهش دیگری یافت نشد. کارول و دوهرتی (۲۰۰۳) در ارزیابی کارآمدی برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج نشان دادند که میانگین اندازه اثر برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج، ۰/۸۰ بوده و این بدان معنا است، افرادی که در آموزش پیش از ازدواج شرکت کرده‌اند به طور معنادار، عملکرد بهتری از افرادی داشتند که در این برنامه‌ها شرکت نکرده بودند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که این برنامه‌ها در فراهم آوردن دستاوردهای سریع و کوتاه‌مدت در روابط بین فردی و روی هم رفته کیفیت روابط مؤثر بوده‌اند. آموزش پیش از ازدواج باعث تعدیل انتظارات آزمودنی‌ها در حیطه «انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی» می‌شود. نمونه‌ای از سؤالات این حیطه عبارتند از: انتظار دارم همسرم به تنهایی‌های من پایان دهد، انتظار دارم همسرم حالات خلقی مرا به خوبی درک کند، انتظار دارم همسرم از روی حالات خلقی‌ام نیازهایم را حدس بزند و سؤال‌هایی از این قبیل. همان‌طور که گفته شد در پژوهش حاضر با آموزش مهارت‌ها سعی بر آن بوده که افراد وارد فرایند زندگی مشترک شوند و بیاموزند که به چه مهارت‌هایی نیاز دارند و در چه مهارت‌هایی باید ممارست بیشتری داشته باشند. افراد با آموزش مهارت‌ها آموختند که همسر آینده آن‌ها نیز همانند هر فرد دیگری نیازهایی دارد که امید دارد برآورده شود. رابطه زناشویی یک رابطه دو طرفه است و افراد در مبحث صمیمیت زناشویی می‌آموزند که چگونه مقداری از نیازهای هیجانی، جنسی، روان‌شناختی و غیره را برای یکدیگر برطرف سازند. در مبحث مهارت‌های ارتباطی افراد آموختند که همسر آینده‌شان نمی‌تواند همیشه حالات خلقی آن‌ها را به خوبی درک کند و از روی تغییرات خلقی‌شان نیازهای آن‌ها را حدس بزند. بلکه افراد باید نیازها، خواسته‌ها، احساسات و افکار خود را در قالب جملات روشن با استفاده از مهارت‌های ارتباطی کارآمد نظیر مهارت‌های توجه به خود و مهارت‌های حرف زدن به یکدیگر انتقال دهند. همچنین با استفاده از مهارت‌های حل مسئله آموختند که انتظار اوقات دشواری را هم که در آن ممکن است استرس و فشار روانی زیاد باشد داشته باشند. در این موقعیت‌ها همسران نباید انتظار داشته باشند که احساسات عاشقانه‌شان نسبت به یکدیگر همانند زمان قبل از بروز مسئله باشد بلکه در این زمان‌ها ممکن است تا حدی نوسان خلق و بحث‌هایی پیش آید و همسران در این زمان وظیفه دارند که با استفاده از مهارت‌های حل مسئله با آن‌ها مقابله کنند. همچنین همسران با آموزش تعهد آموختند که در قبال زندگی زناشویی خویش و همسرشان مسئول هستند و تنها با

تعهد است که رابطه آن‌ها، هدف و سمت و سو پیدا می‌کند. افراد متعهدند که برای حفظ روابط زناشویی موفق خود تلاش کنند و برای این مقصود باید با انتظارات واقع‌بینانه، مانع از تخریب رابطه گردند. در حقیقت تعهد ارتباطی، یک عامل بسیار مؤثر بر انتظار زناشویی است (ساباتلی و پیرس، ۱۹۸۶). درباره موارد دیگر این حیطه از انتظارات و رابطه آن با مهارت‌ها نیز همین‌گونه است. البته در بسیاری از موارد تلفیقی از مهارت‌ها است که کارآمد است که البته نقش یک مهارت برجسته‌تر از بقیه می‌نماید. در مورد دو حیطه دیگر از انتظارات یعنی «انتظارات از زندگی زناشویی» و انتظار از یک رابطه ایده‌آل نیز این مطلب مصداق دارد. به این ترتیب آموزش مهارت‌ها توانست انتظارات همسران را در حیطه «انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی» تعدیل بخشد.

آموزش پیش از ازدواج باعث بهبود در حیطه انتظارات از زندگی زناشویی شد. این حیطه شامل انتظاراتی است از قبیل: انتظار دارم من و همسرم همدیگر را درک کنیم، انتظار دارم همسرم در حل مشکلات مرا یاری دهد، انتظار دارم اعمال مذهبی رابطه ما را از مشکلات و مسائل جدی حفظ کند، انتظار دارم همسرم با من به‌گونه‌ای صحیح و منطقی برخورد کند و غیره. اگر پاسخ فرد به هر یک از عبارت فوق گزینه همیشه باشد نشان‌دهنده انتظارات بسیار بالا در آن حیطه است که رابطه را در معرض خطر قرار می‌دهد. در آموزش پیش از ازدواج در این پژوهش، اعضای گروه با ورود نمادین به فرایند زندگی مشترک آموختند که سختی‌ها و ناملایمات در زندگی، امری اجتناب‌ناپذیرند. درحقیقت زوجین بهتر است انتظار اوقات دشوار را هم داشته باشند تا این‌که تنها یک آینده درخشان را در نظر بگیرند. مطالعات نشان می‌دهند که اگر زوجین تصویر صحیحی از رابطه‌شان داشته باشند کمتر احتمال دارد، کاهش عمیقی را در رضایت زناشویی تجربه کنند، حتی اگر این تصویر ایده‌آل نباشد (مک‌ناتلی، ۲۰۰۷). اما با به‌کارگیری مهارت‌های مناسب مثلاً مهارت‌های حل مسئله و مهارت‌های ارتباطی و با در نظر گرفتن تعهد نسبت به زندگی زناشویی می‌توان بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد. رابطه زناشویی همانند هر رابطه و بنیان دیگری نیازمند تلاش است تا به شکوفایی برسد. رابطه زناشویی یک رابطه راكد نیست و مطلوب آن است که یک رابطه رشدی باشد. از انتظارات ناصحیح اینست که برخی معتقدند که اعمال مذهبی به تنهایی همیشه می‌تواند زندگی آنان را حفظ کند، اما زندگی زناشویی نیازمند تلاش دوطرفه است. اعضای گروه با یادگیری مهارت‌های حل مسئله آموختند که چگونه به طور گروهی با همسر آینده‌شان، با مشکلات زندگی مقابله کنند. همچنین در آموزش صمیمیت و ترسیم مرزها آموختند که درست است که در رابطه زناشویی، فرد تبدیل به زوج شده است اما زوجین نباید در شخصیت یکدیگر حل شوند، بلکه زوجین باید میزانی از فردیت را نیز حفظ کنند. افراد باید به حدی از استقلال در دوران قبل از ازدواج رسیده باشند و انتظار نداشته باشند همسرشان همیشه در حل مشکلات، آنان را یاری دهد بلکه آن‌ها باید در بر آوردن مقداری از نیازهای خود، به خود متکی باشند. همچنین در آموزش ترسیم مرزها، آموختند که

چگونه به طور بهینه با خانواده و دوستان خود به طوری که مخل زندگی زوجی آن‌ها نباشد، ارتباط برقرار سازند و نیز باید بدانند که چگونه در برخی موارد، باید از همسر خود به طور محترمانه در برابر خانواده خود در صورت لزوم و با رعایت احترام، حمایت کنند. با توجه به مطالب گفته شده آموزش پیش از ازدواج توانست انتظار زوجین را در حیطه انتظار از زندگی زناشویی به طور معناداری تعدیل بخشد.

آموزش پیش از ازدواج باعث بهبود در حیطه انتظارات از زندگی ایده‌آل شد. نمونه‌ای از سؤالات این حیطه عبارتند از: انتظار دارم همسر من همان فردی باشد که در رؤیا می‌بینم، انتظار دارم رابطه ما بدون مشکل باشد، انتظار دارم عشقی که بین ما وجود دارد، بر تمام مشکلات غلبه کند، انتظار دارم اگر در رابطه من و همسر من مشکلی پیش آید، با صرف وقت بیشتر بر آن فائق آیم، انتظار دارم همسر من بی آن‌که حرفی بزنم ذهن مرا بخواند و نیازهایم را تشخیص دهد. در آموزش پیش از ازدواج در این تحقیق اعضای گروه با مهارت حل مسئله و ضرورت یادگیری آن آشنا شده و آموختند رابطه بدون مشکل توقعی بسیار ایده‌آل‌گرایانه است. هنگامی که مشکل در رابطه پیش آید با استفاده از مهارت‌های حل مسئله و در صورت لزوم تلفیق آن با مهارت‌های دیگر (مثلاً مهارت‌های ارتباطی و صمیمیت) می‌توان با مسائل مقابله کرد. اما افراد باید بدانند همیشه تمام مسائل قابل حل نیستند و نمی‌توان بر آن‌ها فائق آمد، اما می‌توان با آن‌ها سازگار شد. همچنین با استفاده از مهارت‌های ارتباطی آموختند که همسر آینده‌شان نمی‌تواند بدون این‌که هیچ حرفی رد و بدل شود، ذهن آن‌ها را بخواند و این یک انتظار غیرواقع‌بینانه است. زیرا رابطه زناشویی یک رابطه دو طرفه است و زوجین همواره باید تلاش کنند که همواره با هم ارتباطی سالم و کارآمد برقرار کنند و افکار و عقاید و احساسات و خواسته‌هایشان را در قالب جملات مناسب و با استفاده از مهارت‌های لازم به یکدیگر منتقل نمایند. اعضای گروه با یادگیری مهارت‌های مورد آموزش و آگاهی از ضرورت آن‌ها در زندگی زناشویی آموختند که زندگی زناشویی رابطه پویا و در حال رشد است و موفقیت و شادکامی در آن، نیازمند تلاش دوطرفه است. عشق شاید برای شروع یک رابطه لازم باشد اما برای ادامه آن کافی نیست و به چیزی بیش از عشق نیاز است. در مورد عبارات دیگر این حیطه، تفاسیری مشابه وجود دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده تفاوت معناداری بین نمرات پسران و دختران در کل پرسشنامه انتظارات از زندگی زناشویی و نیز خرده آزمون‌های آن به جز در حیطه «انتظار از همسر بعنوان دوست و حامی» در مراحل پس‌آزمون و پیگیری وجود ندارد، بدین معنا که تنها در حیطه فوق پسران و دختران با یکدیگر تفاوت معناداری داشتند. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد که امروزه ویژگی‌های ازدواج اساساً تغییر کرده است. قبلاً ازدواج به عنوان یک الزام اجتماعی با هدف امنیت اقتصادی و تولید مثل تلقی می‌شد اما امروزه ازدواج به عنوان مسیری به سوی تحقق خود

تلقی می‌گردد و همان‌طور که انتظارات زناشویی بیشتر و بزرگتر می‌شود، انتظارات بزرگ برای تحقق خود، جامعه را به سمت نرخ طلاق‌های بیشتر سوق می‌دهد (پوپنو، ۱۹۹۱؛ به نقل شارب و گانگ، ۲۰۰۴). برخلاف گذشته که انتظار از نقش جنسیتی سنتی در ازدواج برجسته بود، مثلاً وظیفه مرد نان‌آور خانواده بودن و وظیفه زن نگهداری از بچه‌ها و پختن غذا بود، امروزه ورود زنان به تحصیلات بالاتر و نیروی کار و برخاستن جنبش‌های آزادی بخش زنان، باعث برانگیختن آگاهی از تفاوت‌های جنسیتی در ازدواج شده است و این مسئله انتظارات زنان از زندگی زناشویی را تغییر داده است (رینولد و منسفیلد، ۱۹۹۹). وقتی ازدواج مسیری برای تحقق خود در نظر گرفته شود، به نظر نمی‌رسد که مردان و زنان در مورد انتظاراتی که از رابطه زناشویی به عنوان رابطه‌ای صمیمانه در جهت تحقق خود دارند، متفاوت باشند. در این تحقیق، تأکید بر انتظارات زناشویی در ازدواج به عنوان یک رابطه است نه ازدواج به عنوان یک سنت. بین پسران و دختران در انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی تفاوت وجود دارد.

اما در توجیه این نتیجه که تفاوت معناداری نمرات مردان و زنان در انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی وجود داشت و بر این اساس دختران انتظارات حمایتی افراطی بیشتری نسبت به پسران داشتند، در مجموع به نظر می‌رسد که در رابطه زناشویی زنان به مردان هم‌چنان به عنوان تکیه‌گاه می‌نگرند علی‌رغم تغییر در ویژگی‌های ازدواج (که ذکر شد) و انتظارات مساوات‌طلبانه جنسیتی، شاید با توجه به تغییر در ویژگی‌های ازدواج، زنان به جای این‌که تنها مردان را به عنوان تکیه‌گاه اقتصادی بنگرند (که البته امروزه کم رنگ‌تر شده) آن‌ها را به عنوان امنیت روحی و آرامش تلقی می‌کنند. البته هر انتظاری در حد معتدل آن می‌تواند صحیح باشد، اما اگر حالت افراطی به خود بگیرد زنان تبدیل به موجوداتی بسیار وابسته به مردان خواهند شد و اگر به انتظارات خود نرسند دچار یاس و ناامیدی خواهند گشت. با آموزش مهارت‌ها افراد، با اعتماد به نفسی که از یادگیری این مهارت‌ها به دست می‌آورند و با آگاهی از وظایف زوجی و توانایی‌ها و لیاقت‌های خود در مهارت‌ها، تا حد زیادی خود را در موفقیت زندگی زناشویی‌شان سهیم می‌دانند و باعث می‌شود افراد انتظارات خود را در حیطه مذکور بهبود بخشند.

اثر متقابل جنسیت و عضویت گروهی بر نمره انتظارات زناشویی در هیچ‌یک از حیطه‌های «انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی»، «انتظار از زندگی زناشویی» و «انتظار از زندگی ایده‌آل»، معنادار نبود. همان‌گونه که ذکر شد، بسته آموزشی در این پژوهش، آموزش مهارت‌ها بود نه مواردی از قبیل نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌های جنسیتی و غیره و هیچ‌یک از سؤالات سوگیری جنسیتی نداشت. بنابراین، متفاوت نبودن تأثیر آموزش در دو جنس در ابعاد انتظارات زناشویی منطقی به نظر می‌رسد.

یادداشت‌ها

1. Gottman
2. Marital expectations
3. Baucom & Epstein
4. Darley & Gross
5. Hastorf & Cantril
6. Kelley
7. Miller & Turnb
8. Perceptual Confirmation
9. Behavioral Confirmation
10. Decision Affect Theory
11. Medvec
12. Sheperd
13. Thibaut
14. Huston
15. Premarital education
16. Dwal

منابع

- خمسه، ا. (۱۳۸۲). *آموزش قبل از ازدواج*. تهران: دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان. مولوی، ح. (۱۳۷۹). *راهنمای عملی SPSS در علوم رفتاری*. اصفهان: نشر قائم. نوایی‌نژاد، ش. (۱۳۸۰). *مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- Corroll, J. S., & Doherty, W. J. (2004). Evaluating the effectiveness of premarital prevention program: A meta- analytic review of outcome research. *Family Relations*, 52(2), 105-118.
- Harris, K. M., & Lee, H. (2007). *The development of marriage expectations, attitudes, desire from adolescence into young adulthood*. Unpublished master thesis, University of North Carolina [On-Line]. Available: <http://paa2006.princeton.edu/download.aspx?submissionId=61880>
- Jones, G. D., & Nelson, E. S. (1999). Expectations of marriage among college students from intact and nonintact homes. *Journal of Divorce and Remarriage*, 26(1/2), 171-189.
- Mansfield, J. (2007). *Unrealistic marital expectations* [On-Line]. Available: www.lamorapsych.com/knowledgebase/entry.
- Mc Nutly, J. (2007). *Some married couples will do better by lowering expectations* [On-Line]. Available: www.researchnews.osu.edu/archive/marsatis.htm.
- Mc Nutly, J. K., & Karney, B. R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(5), 729-43.
- Muller, F., & Coughlin, R. A. (1998). *The influence of one's expectations on behavior* [On-Line]. Available: www.adrr.com/adr4/expect.htm
- Olson, D. H., & Gravatt, E. (1968). Attitude change in a functional marriage course. *The Family Coordinator*, 17(2), 99-104.
- Reid, J. M. (2003). *You want me what?* *Family and Consumer Science* [On-Line]. Available: www.ohioline.osu.edu/flm.
- Reynold, J., & Mansfield, P. (1999). *The effect of changing attitudes to marriage on its stability* [On-Line]. Available: www.onepluson.org.uk.

- Sabatelli, R. M., & Pearce, J. (1986). Exploring marital expectations. *Journal of Social and Personal Relationships*, 3(3), 307-321.
- Sharp, E. A., & Ganeng, L. H. (2004). Raising awareness about marital expectations: Are unrealistic beliefs changed by integrative teaching? *Family Relations*, 49(1), 71-76.
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, C. A., & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: Findings from a large random household survey. *Journal of Family Psychology*, 20 (1), 117-126.